



سید جلال الدین آشتیانی و احیای سنت در عصر نقد سنت

کار آشتیانی بسیار ارزشمند است و در هر زمان به کسانی چون او «هم» نیاز هست، چرا که لا اقل بخش هایی از سنت مکتوب ما را به ما معرفی نمود.

کار آشتیانی بسیار ارزشمند است و در هر زمان به کسانی چون او «هم» نیاز هست، چرا که لا اقل بخش هایی از سنت مکتوب ما را به ما معرفی نمود.

به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام حسینعلی رحمتی در یادداشتی به مناسبت سوم فروردین سالروز درگذشت سید جلال الدین آشتیانی (۱۳۰۴ - ۱۳۸۴ ش) نوشت:

مرحوم آشتیانی احیای آثار گذشتگان را وظیفه واجب خود ما می دانست و معتقد بود نباید توقع داشته باشیم بیگانگان به چنین امری اقدام نمایند. او از این که در زمینه معرفی و ترویج افکار و اندیشه های محققان اسلامی کوتاهی می کنیم و دیگران به احیای برخی آثار علمی اسلامی و ایرانی اقدام کرده اند و ما از آنها بی خبر هستیم ابراز تاسف و گلایه می کرد؛ چرا که معتقد بود «هیچ ملتی در صحنه پهناور جهان محو و نابود نشد، مگر آنکه قبلاً موجبات افتخار خود را از دست داد».

آشتیانی هر چند تاکید داشت که کار احیا نیازمند کار گروهی، وجود افراد عاشق و علاقمند و همچنین فراهم بودن امکانات است، ولی در عین حال می گفت نمی توان به انتظار نشست تا اسباب کار فراهم شود. از این رو خود بدون داشتن هیچ چشم داشتی در این راه قدم برداشت و به اندازه چندین و چند نفر در این زمینه تلاش کرد. ثمره کار او آن شد که ده ها کتاب و رساله ارزشمند از حکیمان و عارفان اسلامی و ایرانی در دسترس شیفتگان و علاقمندان قرار گیرد.

پیامدهای کار آشتیانی:

حدود هفتاد سال تلاش و کوشش فراگیر مرحوم آشتیانی در حوزه فلسفه و عرفان اسلامی، که بخشی عمده از آن به احیای تراث گذشت، آثار و برکات فراوانی از خود بر جای گذاشت که «فراهم کردن زمینه باز شناسی، بازخوانی و نقد سنت» یکی از آنهاست. هیچ جامعه ای با پشت پا زدن به سنت علمی، فرهنگی و تمدنی خود و انکار گذشته خویش نمی تواند به درستی راه خود را به سوی آینده طی نماید.

البته در باب نحوه مواجهه و تعامل صحیح با سنت سخن فراوان است و باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد؛ لکن نکته ای که در این مجال می توان گفت آن است که نه «سنت ستیزی» و نه «سنت پرستی» هیچکدام چاره کار نیست؛ بلکه تنها با «سنت شناسی» نقادانه است که می توان با بهره گیری از سنت، راه خویش به سوی آینده را گشود.

برای وصول به این شناسایی، لا اقل در زمینه آثار علمی، پیش از هر چیز باید آن را شناخت و حفظ کرد تا راه برای مواجهه انتقادی باز شود. نوع نگاه به سنت و رویکرد به مدرنیته، یکی از دغدغه های جدی و از مسائل مبتلا به جامعه امروز ایران است. بخشی از این امر به سنت حکمی و عرفانی اسلامی جامعه ما و دیدگاه های مرتبط با آن مربوط می شود؛ دیدگاه هایی که در آثار مکتوب به ارث رسیده از گذشتگان ثبت و ضبط شده است.

از این رو چه موافق این سنت باشیم و چه مخالف آن، چاره ای نداریم جز آنکه ابتدا این سنت را به خوبی بشناسیم تا موضع گیری مان از روی بصیرت و آگاهی باشد. برای این کار هم چاره ای نیست جز حفظ آثار مکتوبی که در دامن سنت ما نوشته شده و از دل آن بیرون آمده است. از اینجاست که اهمیت کار کسانی چون آشتیانی مشخص می شود. در واقع او با تلاش عمری خود، به ما در این زمینه یاری فراوان رساند.

کار آشتیانی بسیار ارزشمند است و در هر زمان به کسانی چون او «هم» نیاز هست، چرا که لا اقل بخش هایی از سنت مکتوب ما را به ما معرفی نمود. اما این کافی نیست؛ بلکه در کنار او دیگرانی هم باید باشند که مرزهای دانش و میراث حکمی و عرفانی اسلامی ما را با نگاهی انتقادی در نوردند و با نگاهی تطبیقی به اندیشه های فلسفی غیر اسلامی، این میراث را در بوته نقد قرار داده و آن را صیقل دهند؛ کاری که آشتیانی، با وجود فلسفه ورزی

ها و مباحثی که مطرح کرد، فرصت یا انگیزه انجام گسترده آن را نداشت.